غزلیاتی از حافظ
ترجمهٔ گرترود بل

فرانکلین لویس
ترجمهٔ مصطفی حسینی

اشاره: در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۹۷)، گرترود بل گزیده‌ای از غزلیات حافظ (۴۳ غزل) را با عنوان *اشعاری از دیوان حافظ* به همراه مقدمه‌ای مستوفا و خواندنی و تعلیقاتی مفید و وافی به مقصود، خاصه برای خوانندهٔ غربی، منتشر کرد. جملگی برآنند که این بهترین ترجمه‌ای است که تا کنون از غزلیات حافظ به انگلیسی صورت گرفته است و آن را هم‌سنگ ترجمهٔ ادوارد فیتزجرالد از رباعیات خیام دانسته‌اند. به گفتهٔ بل: «هیچ چیز برای روح آدمی دل‌آویزتر از آن نیست که در ننویی میان درختان چنار در باغی ایرانی دراز بکشد و اشعار حافظ را، به زبان پارسی، از کتابی با جلد چرمینِ منقش، که تازه از بازار خریده است، بخواند! صبح‌ها را در ایران این‌گونه سپری می‌کنم». این جستار نقدی است که فرانکلین لویس (مولوی‌پژوه برجستهٔ معاصر آمریکایی) بر بازچاپ ترجمهٔ گرترود بل با عنوان *غزلیاتی از دیوان حافظ* (بتسدا: کتاب‌های ایرانی، ۱۹۹۵)، نوشته است. م

هرچند ترجمهٔ انگلیسیِ جذاب سر ویلیام جونز از غزلی از حافظ، که اول بار در ۱۷۷۱ منتشر شد، الهام‌بخش بسیاری از مترجمان در اواخرِ قرن هجده و اوایلِ قرن نوزده بود، اما هیچ‌یک از مترجمان در عرضه‌داشتِ ترجمه‌ای زنده و جاندار از غزلیاتی از دیوان حافظ به انگلیسی کامیاب نبودند. البته، یوهان ولفگانگ فون گوته در *دیوان غربی‌شرقی*[1] ارادتمندانه زبان به ستایش حافظ گشود، و رالف والدو امرسون در آمریکا با ارائهٔ ترجمهٔ انگلیسی شماری از غزلیات حافظ از روی برگردانِ آلمانی دیوان حافظ به قلم فون هامر پورگشتال ستایشِ گوته را به کمال رساند. تحسین و توجه ادیبان برجسته و صاحب‌سبک، علاقه به حافظ را برانگیخت و بازاری آماده برای ترجمهٔ اشعار او فراهم ساخت. این شهرت ادبی درعینِ‌حال

باری بر شانه‌های ظریفِ شعر او نهاد؛ چراکه برآوردنِ این توقعات برای مترجمان دشوار بود. زمانی که *رباعیات عمر خیام* ترجمهٔ ادوارد فیتزجرالد، شاید موفق‌ترین ترجمهٔ منظوم در تاریخ ترجمه، امکانِ آفرینش ترجمهٔ بومی انگلیسی را برای شاعری مانند خیام فراهم آورد، توقع خوانندگان را برای ترجمهٔ اشعار حافظ بالا برد. نتیجهٔ تلاشِ مترجمانِ مختلف برای به‌دست دادنِ ترجمه‌ای مقبول از غزلیاتِ حافظ از ارائهٔ ترجمه‌ای رضایت‌بخش فراتر نرفته است.

یکی از این مترجمان، گرترود بلِ (۱۸۶۸تا ۱۹۲۸) استثنایی بود. در سال‌های بعد، او در مقامِ دیپلماتی انگلیسی به بغداد اعزام شد و در تشکیل عراقِ امروز ــ بعد از جنگ جهانی اول ــ نقش مؤثری ایفا کرد. گزارش تجربه‌های او در عراق در کتاب *گزارش مدیریت شهری بین‌النهرین* (۱۹۲۰) ثبت شده است. مانایی نامش در مقامِ نویسنده، مرهون توصیف‌های سفر به سوریه، *بیابان و کشتزار* (۱۹۰۷)؛ تحقیقات دربارهٔ بناهای تاریخی بازمانده در آنجا ازجمله *کلیساها و صومعه‌های تور ابدین*[۲] (۱۹۱۳) و *قصر و مسجد اُخیضر* (۱۹۱۴)؛ و نیز نامه‌هایی است که در چاپ‌های مختلف منتشر شده است. اما مِهر اولِ او ایران بود که در ۱۸۹۲ به آنجا سفر، و خاطراتش را در کتاب *سفرنامه: تصویرهایی از ایران* (۱۸۹۴) ثبت کرد. بل اندکی پیش از ترکِ انگلستان، شروع به آموختن زبان فارسی نمود، و پس از بازگشت، وقتِ خود را به تمامی صرفِ آموختن آن کرد. در ۱۸۹۷، انتشارات هاینه‌مان در لندن *غزلیاتی از دیوان حافظ* ترجمهٔ بل را منتشر کرد؛ چاپ دوم این کتاب در ۱۹۲۸، پس از مرگش، با مقدمهٔ ایران‌شناس انگلیسی سِر ادوارد دنیسن راس منتشر شد.

کتاب حاضر شامل بازنشر چاپ ۱۸۹۷ ترجمهٔ بل از چهل‌وسه غزل حافظ (که اکنون چهار غزل آن از متن‌های منقح و مصحَح دیوان حافظ حذف شده است)[۳]، مقدمهٔ [مفصل] او، مقدمهٔ دیگری به قلم ا. دنیسن راس بر چاپ دوم ۱۹۲۸، و یادداشت‌های بل بر این اشعار است. صاحب امتیاز نشر کتاب‌های ایرانی، فرهاد شیرزاد، پیشگفتاری مختصر و متن فارسی غزل‌ها را در صفحهٔ مقابل افزوده است. این اولین بار نیست که کتابِ بل در سال‌های اخیر بازچاپ می‌شود؛ سابقهٔ کتابنامه‌ای برای مجلدِ حاضر *تعالیمِ حافظ*[۴] (لندن، صوفی تراست، ۱۹۷۹، ۱۹۸۵) با مقدمهٔ ادریس شاه، و چندین چاپ نفیس است که در ایران منتشر شده است، و مانند *اشعار برگزیدهٔ دیوان حافظ* (تهران: اقبال، ۱۹۸۵) دارای متن فارسی اشعار با خوشنویسی حسین خسروی و مزین به مینیاتورهای علی نسج‌پور است که در خلال آنها ترجمه‌های بل نیز آمده است[۵].

دلیل اینکه حافظ با ترجمهٔ بل بارها بازنشر شده تمجیدِ فراوان ادوارد گرانویل براون از آن

است که ترجمهٔ بل را «شعری واقعی و بسیار متعالی» می‌دانست که پس از رباعیات خیام ترجمهٔ فیتزجرالد در میان تمامی ترجمه‌های انگلیسی از شعر پارسی، در مرتبت دوم قرار می‌گیرد[۶]. بااینکه آ. ج. آربری، در گلچینی که از ترجمه‌های حافظ، با عنوان *پنجاه غزل از دیوان حافظ*[۷] در ۱۹۴۷ عرضه کرد، محافظه‌کارانه سخن گفت، اما به باور او تلاشِ بل «فصیح‌ترین» ترجمه به انگلیسی است. بوطیقای عصر بل، تا حدی به سببِ ترجمهٔ فیتزجرالد، به گونه‌های مختلف، برای تصاویر و آرایه‌های ادبی شعر کلاسیک پارسی برای روزگار ما مطلوب‌تر بود، و سبک و طرز بیان عالیِ بل در بیشتر موارد الفاظ و عبارات تحسین‌آمیزی عرضه می‌کند (اگرچه برای ذائقهٔ ادبی من، وزن و قافیهٔ او متزلزل است).

در طی قرنِ گذشته، بوطیقای شعر انگلیسی و آمریکایی دچار تحولاتِ عظیمی شده است و حافظ با ترجمهٔ بل از زیبایی‌شناسی اعصار گذشته پرده برمی‌گیرد. پیشرفت‌های انجام‌شده در شعر آزاد که با ت. ا. الیوت و عزرا پاوند در دههٔ ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ آغاز شد، و نسل بیت[۸] آن را دنبال کرد، ترجمهٔ بل را چندان کهنه کرده است که اکنون آن را تنها می‌توان به منزلهٔ یکی از آثار دورهٔ ویکتوریا خواند و بس! شاید ترجمهٔ او برای بل‌پژوهان که درصددِ فهم شعر حافظ، تاریخچهٔ پذیرش ادبیات میانهٔ شرق در غرب، و روش «جنجال‌برانگیزی» هستند که قرن‌ها بر نظریهٔ ترجمه سیطره داشته است، خوشایندتر باشد تا برای خوانندگانِ مشتاق. با این همه، متخصصان ترجمه، روش تفسیری و تحریفی را رد کرده‌اند و عموماً زیبایی‌شناسی کمینه‌گرا را جایگزین آن کرده‌اند. حافظ فعلاً جورج چپمن[۹] یا ادوارد فیتزجرالد خود را نیافته است، اما خوانندگانی که می‌خواهند با او در بوطیقایِ مدرن مواجه شوند باید از ترجمهٔ منظوم و مقفایِ امروزی‌تر ریچارد لو گالی‌ین (که دقیقاً یک دهه بعد از ترجمهٔ بل منتشر شد)، یا ترجمهٔ آزاد بزل بانتینگ، پیتر ایوری و جان هیث‌استابس، یا الیزابت گری سراغ بگیرند.

اگرچه ترجمهٔ حاضر در مواردی مفید می‌نماید، اما محتمل نیست که خوانندهٔ جدی شعر مدرن نظر مساعدی به آن داشته باشد. می‌توان پنداشت که این بازنشر، مانند بسیاری از ترجمه‌های اخیر حافظ (ترجمهٔ مایکل بویلن (میج، ۱۹۸۸)، ترجمهٔ عباس آریانپور (مزدا، ۱۹۸۱)، سخت مقبولِ طبع ایرانیان مهاجری است که مایل‌اند حافظ را به‌عنوان نماد غرورِ ملی ایرانی، به سببِ تأثیر او بر شعر رمانتیک اروپا، به دوستان انگلیسی‌زبان خود عرضه کنند. در واقع مقدمهٔ بل، که دربرگیرندهٔ زندگی حافظ و اندیشهٔ سیاسی عصر وی، تصوف و ماهیت شعر اوست، به‌غایت دقیق است و بل در آن صبغهٔ صوفیانهٔ ترجمهٔ هِنری ویلبرفورس کلارک

را هوشمندانه نادیده گرفته است. برای دوستداران حافظ مقدمهٔ بل هنوز هم خواندنی و نکته‌آموز، و یادداشت‌های او بر این اشعار نیز بسیار سودمند است.

چاپِ حاضر شامل متن فارسی در صفحهٔ مقابل است، از این رو برای دانشجویان زبان و ادبیات پارسی هم مفید است. اما ازآنجاکه معیار، متنِ فارسی دیوان حافظ به تصحیح خانلری است و نه متنی که در اختیار بل بوده، برای دانشجویانی که مایل‌اند از این کتاب به عنوان متن درسی مقدماتی در جهتِ خواندن این اشعار به فارسی استفاده کنند، گاه می‌تواند مایهٔ سردرگمی باشد. افزودن عباراتی که در متن فارسی غایب است و از گذرِ شرح‌های تفسیری یا برای پُرکردن وزن قافیه است، بر این مشکل می‌افزاید. بنابراین، هرچند دوستداران حافظ ممکن است در اشعار حافظ ترجمهٔ بل نکتهٔ ارزشمندی بیابند، آن دسته از خوانندگان را که به شخصِ حافظ دلبسته‌اند کاملاً راضی نخواهد کرد[۱۰].

---

[1] *West-Östlicher Divan*

[2] *Churches and Monasteries of the Tur Abdin*

[۳] مراد غزل‌های شمارهٔ ۱۰، ۲۷، ۳۶، و ۴۱ است. مطلع این غزل‌ها عبارت است از: «مطرب خوش نوا بگو تازه به تازه نو به نو»، «دردا که یار در غم و دردم بماند و رفت»، «جانا تو را که گفت که احوال ما مپرس»، و «هنگام بهار است گُل و لاله و نسرین». م

[4] *Teachings of Hafez*

[۵] نمونهٔ دیگر بازنشر این کتاب به اهتمام نشر دوور (۲۰۰۳) با عنوان *روضهٔ رضوان* (The Garden of Heaven: Poems of Hafiz) است. در پشت جلد کتاب چنین آمده است: شعر درخشان‌ترین جلوهٔ فرهنگِ ایرانی، و حافظ، شاعر بلندآوازهٔ قرن هشتم هجری، نمایندهٔ والامقام آن است. از سوانح احوالِ وی چیز زیادی نمی‌دانیم، و در بابِ جزئیاتِ زندگی‌اش افسانه‌ها گوی سبقت را از حقایق ربوده‌اند؛ همْ از این رو است که به «لسان‌الغیب» و «ترجمان‌الاسرار» نامبردار شده است؛ شاعری که جویندگان کوکبِ هدایت و معمارانِ قصرِ امل کلکِ شکرین‌اش را سروشِ عالمِ غیب دانسته‌اند. از جُنگِ سترگِ اشعار او بر قرار شواهد، جز اندکی برجای نمانده است. مجموعهٔ حاضر برگرفته از دیوانِ حافظ، یکی از آثار کلاسیک شعر صوفیانهٔ پارسی، است. اشعاری کوتاه، موسوم به غزل، که چیدمانی غزل‌وار از ابیاتی گونه‌گون است. در سنت شعر کلاسیک پارسی و تصوف، هر شعر دو تفسیر دارد: یکی آفاقی و دیگری انفسی. این ترجمهٔ ممتاز به قلم گرترود بل، تاریخ‌نگارِ و عربی‌دانِ برجسته، به انجام رسیده است. به گفتهٔ او «این غزلیات سخنانِ شاعر بزرگی است، که ترجمانِ خیالین اسرارِ مگوی دل آدمی است؛ اشعاری نه از آنِ این یا آن زمان، بل متعلق به تمامی قرون و اعصار». م

[۶] ... ترجمهٔ دوم از حیث زمان ترجمهٔ دوشیزه گرترود لوثین بل (لندن، ۱۸۹۷) است، که علاوه بر مقدمهٔ ستایش‌آمیز دربارهٔ احوال، روزگار، و شخصیت حافظ، ترجمهٔ منظوم ۴۳ غزل را نیز دربرمی‌گیرد. این ترجمه اگرچه نسبتاً آزاد است، به باور من، هنرمندانه‌ترین، و تا آنجا که به جوهر شعر حافظ مربوط است، وفادارترین برگردان شعر او [به انگلیسی] است (ص. ۳۰۳) ... حال‌آن‌که ترجمهٔ دوشیزه بل شعری واقعی و بسیار متعالی است، و شاید به استثنای ترجمهٔ آزاد رباعیات عمر خیام به قلمِ فیتزجرالد، احتمالاً بهترین و در واقع شاعرانه‌ترین ترجمه‌ای است که از هر شاعر پارسی تا کنون به انگلیسی صورت گرفته است؛ زیرا هرچند برخی از ترجمه‌های منظوم ویلیام جونز از کیفیّتِ نسبی برخوردارند، اما به زحمت می‌توان نام شعر بر آن‌ها نهاد، به علاوه ترجمه‌های وی چندان آزادند که به سختی ذیلِ ترجمه تعریف می‌شوند. (تاریخ ادبیات فارسی، ج. ۳، ۱۹۰۲). م

[7] *Fifty Poems of Hafiz*

[8] the Beats

[9] George Chapman

[۱۰] نسخهٔ انگلیسی این مقاله را دکتر بهنام م. فومشی، دوست و هم‌کلاسی عزیزم، در اختیارم نهادند. از ایشان بسیار سپاسگزارم.